

صفحه‌ان زیبا

یادآور

ویژه‌نامه سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران

پنجشنبه - یازدهم آبان ۱۴۰۲

اصفهان‌ها در انقلاب دوم



روز جدی گرفتن جوانان...

مروری بر نقش تاریخی «۱۳ آبان» با نگاه به بیانات رهبر معظم انقلاب



احسان تیموری
مدیرعامل شرکت
پیام اصفهان زیبا



ایران دارند. حالا یک روز نفت است، یک روز معامله است، یک روز تجارت است، یک روز سرمایه گذاری است؛ انواع و اقسام را داشته اند. این هم جنگ و مقابله اقتصادی.

جنگ رسانه‌ای هم دارند. از اول انقلاب تا امروز، آمریکا جنگ رسانه‌ای با ما دارد؛ یعنی دروغ‌پراکنی، اغواگری، فتنه‌انگیزی، ترویج فساد، تحریک افسراد؛ این مال امروز نیست. البته شیوه‌های جدید و اینترنت و فضای مجازی و امثال این‌ها هم آمده است؛ اما آن وقتی هم که این‌ها نبود با تلویزیون، باراديو، با ماهواره، دائم مشغول بودند؛ یعنی چهل سال است که این چالش بین ما و آمریکا وجود دارد. یک حقیقت مهمی در اینجا وجود دارد که گاهی از چشم بعضی‌ها پنهان می‌ماند و از کثرت وضوح مخفی می‌شود. آن حقیقت، حقیقتی درخشان است و آن، این است که در این چالش چهل ساله، طرفی که مغلوب شده آمریکاست و طرفی که پیروز شده جمهوری اسلامی است؛ این حقیقت بسیار مهمی است.

دلیل اینکه آمریکا مغلوب شده چیست؟ دلیلش این است که حمله را او شروع کرده، کارهای فسادانگیز را او انجام داده، او تحریم کرده، او در واقع حمله نظامی کرده؛ اما به مقاصد خودش نرسیده. این، دلیل شکست آمریکاست. یک وجب از خاک کشور به دست بیگانه نیفتاده؛ این اولین جنگ است. درست عکس آنچه آمریکایی‌ها می‌خواستند، اتفاق افتاد.

اما بسیاری از سیاسیون و جامعه‌شناس‌های معتبر دنیا معتقدند که قدرت نرم آمریکا فرسوده شده است و در حال از بین رفتن است. قدرت نرم چیست؟ قدرت نرم این است که دولتی بتواند خواسته و نظرو عقیده خود را به اطراف بقبولاند و آن‌ها را اقتناع کند به نظر خود. این قدرت در آمریکا امروز رو به ضعف کامل و رو به فرسودگی کامل است. در زمینه‌های مختلف و به‌طور واضح با آمریکا مخالفت می‌شود. در غالب زمینه‌هایی که او تصمیم می‌گیرد، در دنیا با او مخالفت می‌شود. حتی دولت‌هایی هم که با آمریکا رودر بایستی دارند، با او مخالفت می‌کنند. چین مخالفت می‌کند، اروپا مخالفت می‌کند، روسیه مخالفت می‌کند، هند مخالفت می‌کند، آفریقا مخالفت می‌کند، آمریکای لاتین مخالفت می‌کند. قدرت نرم آمریکا رو به افول است، رو به سقوط است؛ اقتصاددانان هم همین‌جور. آمریکا امروز تریلیون دلار بدهکار است، رقم، رقمی افسانه‌ای است؛ پانزده تریلیون دلار بدهی آمریکا است؛ و میلیارد دلار کسری بودجه در سال جاری دارد؛ یعنی این‌ها در واقع عقب‌ماندگی‌های اقتصادی است. حالا با زرق و برق، با شعار، با حرف‌های گوناگون، با ظاهر سازی‌ها

۱۳ آبان، روز ملی مبارزه با استکبار در سه مقطع و واقعه مهم تاریخی، به‌عنوان نیروی محرکه جنبش‌های مردمی به سمت انقلاب اسلامی عمل کرده است. واقعه اول، تبعید امام است که به خاطر کاپیتولاسیون بود؛ مصونیت مستشاران آمریکایی در ایران. امام آن نطق طوفانی را در سال ۴۳ انجام دادند و به دنبال آن، تبعید شدند. این حادثه اول است که مربوط به آمریکا می‌شود. واقعه دوم مربوط به کشتار دانش‌آموزان است در سال ۵۷، جلوی دانشگاه، دانشگاه تهران، که گرچه به دست سربازهای آمریکایی نبود؛ اما رژیم دست‌نشانده آمریکا آن را انجام داد؛ رژیم طاغوت، رژیم پهلوی. پس این واقعه هم به نحوی منتسب به آمریکاست؛ چرا که آمریکا و دست‌نشانده‌هایش برای پیشبرد اهداف شیطان‌ی خود حاضر به انجام هر مدلی جنایتی هستند. در دنیا هم از این قبیل امروز هست؛ مسائل یمن، مسائل بحرین و مسائل بسیاری از نقاط دنیا نشان‌دهنده همین حقیقت است. اینجا هم این کار را کردند و دانش‌آموزان و نوجوانان را با تیراندازی مستقیم به خاک و خون کشیدند. این هم یک حادثه دیگر. واقعه سوم، حادثه سفارت است، لانه جاسوسی آمریکا، که سیلی متقابل ایران به آمریکا بود؛ یعنی انقلاب این قدرت را به ملت داد که در مقابل حركات و در مقابل حملات آن‌ها این‌جور سیلی بزند و آمریکا را تحقیر کند. مجموعه این سه واقعه، چالشی را نشان می‌دهد بین ایران و آمریکا؛ چالشی که تا به امروز ادامه دارد. بیش از چهل سال است که این چالش بین ایران اسلامی و آمریکا ادامه دارد و انواع و اقسام تحركات هم از سوی دشمن در این چهل سال اتفاق افتاده؛ مانند جنگ نظامی. حرکت نظامی در این مدت از سوی آمریکا اتفاق افتاد به صورت‌های مختلف. بدترینش تحریک صدام حسین بود که به ایران حمله کند. تحریکش کردند، به او قول دادند؛ قول کمک دادند، کمک هم کردند. هشت سال کشور را درگیر جنگ کردند؛ البته تودهنی هم خوردند و عقب نشستند. با حمله به ایراس مسافربری، حمله به طیس، حمله به سکوی نفتی ما؛ همگی اقداماتی بود که آمریکایی‌ها علیه ما انجام دادند. جنگ اقتصادی هم در این چالش چهل ساله وجود داشته که مخصوص امروز نیست. حالا آمریکا در واقع سرخویشان را یا سر ملت‌ها را کلاه می‌گذارد که می‌خواهد بگوید کار جدیدی کرده‌اند. نه؛ کار جدیدی نیست. چهل سال است که به شکل‌های مختلف تحریم اقتصادی علیه

فکر شده و سنجیده‌ای قش جوانان در اداره کشور را تقویت کرد که جوانان خود را جزئی از فعالان قش و وسیع پیشرفت ایران اسلامی بدانند و برای آن آماده باشند؛ البته این آمادگی، یک روز با درس خواندن است، یک روز با تحقیق کردن است، یک روز با ساختن است، یک روز با کار و ابتکار است، یک روز با اتخاذ مواضع درست سیاسی است و یک روز با حضور در میدان سیاست است. نکته چهارم؛ مسئولان هم باید جوانان را جدی بگیرند.

از نسل جوان امروز که با انگیزه است، به‌معنای واقعی کلمه استقبال کنند. نسل جوان را کمک کنند. متأسفانه دیده می‌شود یک مجموعه جوان، کاری بسیار خوب و برجسته و راهگشا انجام داده‌اند؛ اما دستگاه مسئول مرتب با این کار، به آن‌ها کمک نمی‌کند.

حرکت چهل ساله جمهوری اسلامی این را به روشنی اثبات می‌کند. جوان‌های جدی، فعال، خوش استعداد، مبتکر، با همت‌های بلند مشغول کارند و در زمینه‌های گوناگون مشغول تلاش‌اند؛ زمینه‌های فکری، زمینه‌های عملی، زمینه‌های علمی، زمینه‌های فناوری. نه به فکر رئیس شدن هستند، نه به فکر مدیریت شدن و نه به فکر وزیر وکیل شدن؛ دارند کار می‌کنند. نکته دوم؛ نظریه ترویج مقاومت در مقابل دشمن قوی پنجه است. بعضی تصور نکنند که چون دشمن بمب دارد، موشک دارد، دستگاه‌های تبلیغاتی دارد و از این قبیل، ما عقب نشینی کنیم. نظریه مقاومت، یک نظریه اصیل و درست است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل که از هر دو جهت باید ترویج شود.

نکته سوم؛ باید به جوانان در قبال مسئله پیشرفت کشور مسئولیت داد و بر اساس برنامه

روی این‌ها را می‌پوشانند؛ اما واقعیت‌های آمریکا این است؛ این قدرت سخت آمریکا است. یکی از مظاهر شکست آمریکا این است که نتوانسته بر روحیه استقلال‌طلبی ملت ما و بر روی جوانان ما اثر بگذارد. امروز احساسات جوانان و نوجوانان عزیز در سرتاسر کشور احساسات استقلال‌طلبانه است. بعضی‌ها حتی به مبانی دینی هم خیلی پایبند نیستند؛ اما نسبت به تسلط بیگانه احساس مقاومت می‌کنند که نشان‌دهنده این است که آمریکا با این همه تبلیغات تلاشی که انجام داده، با این امپراتوری خبری و رسانه‌ای که در دنیا راه انداخته، نتوانسته روی نسل جوان کشور ما اثر بگذارد؛ روحیه مقاومت آن‌ها را و استقلال‌طلبی آن‌ها را نتوانسته ضعیف کند و از بین ببرد. نکته اول؛ تقاضای مقابل، جمهوری اسلامی است که در طول این چهل سال مرتباً پیشرفت کرده‌ایم و قوی شده‌ایم.

نخستین لانه جاسوسی آمریکا در اصفهان کشف شد

روایت حجت الاسلام احمد سالک کاشانی، عضو سابق حزب جمهوری اسلامی، از شرایط آمریکایی‌های مقیم شاهین شهر



ریحانه شهبازی



خبرنگار

قبل از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا تعدادی

از آمریکایی‌ها در شاهین شهر اصفهان مشغول جمع آوری اطلاعات بودند که توسط نیروهای انقلابی اصفهان شناسایی و به سفارتخانه منتقل شدند. در ۱۳ آبان سال ۵۷ مسئولیت فرماندهی سپاه صاحب الزمان (عج) استان اصفهان به عهده حجت الاسلام احمد سالک بود که برای شناخت آن دوره و شرایطی که آمریکایی‌ها در اصفهان داشتند، گفت و گویی با او انجام دادیم. به گفته سالک، آمریکایی‌ها در شاهین شهر اصفهان هم مشغول جمع آوری اطلاعات و هم انتقال اطلاعات بودند و به نوعی در آن منطقه شاهین شهر حاکمیت داشتند.

آمریکایی‌ها در اصفهان قبل از تسخیر لانه جاسوسی چه شرایطی داشتند؟

آمریکایی‌ها با حکم وزیر کشور دولت موقت، دستور داشتند کلیه وسایل خود را با چهار فروند هواپیما به کشور ثالثی منتقل کنند. در دفترم بودم که آقای موحیدیان، مسئول برج مراقبت فرودگاه اصفهان، خبر داد که حدود ۱۴ تریلی ابزار و یک اتوبوس مملو از آدم به همراه چهار فروند هواپیما آمده‌اند. احساس خطر می‌کرد؛ از این رو بلافاصله نیروها را بسیج و در اتاق فرمان برج مراقبت شرایط را بررسی کردیم که آمریکایی‌ها شاهین شهر را خالی و همه امکانات خود را جمع آوری کرده‌اند؛ به خصوص اینکه درخواست بررسی قطعات مهم هلی کوپتر و اینکه کلیه تجهیزات برگردانده شده است، هم دادیم.

طبق یک سری گزارش‌های موجود برخی از آمریکایی‌های حاضر در اصفهان پیش از تسخیر لانه جاسوسی به جاسوسی مشغول بودند؛ درست است؟

بله؛ پیش از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، تعدادی از آمریکایی‌ها در شاهین شهر اصفهان در قالب نظامی به جمع آوری و انتقال اطلاعات به سفارت خود در تهران مشغول بودند که خوشبختانه توسط نیروهای انقلابی اصفهان شناسایی و به سفارتخانه منتقل شدند. برادر شهیدم، آقامهدی، مسئولیت مراقبت از آمریکایی‌ها را بر عهده داشت. در حقیقت پیش از واقعه ۱۳ آبان حدود دو ماهی آمریکایی‌ها مهمان ما بودند؛ تا اینکه شهید بهشتی و بیت امام خمینی (ره) از این موضوع مطلع شدند و دستور دادند که

آن‌ها را به لانه جاسوسی آمریکا بفرستیم؛ در واقع کشف اولین لانه جاسوسی توسط اصفهان رقم خورد و ما آمریکایی‌ها را به تهران فرستادیم و پس از آن انقلاب دوم با تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان راه ولایت شکل گرفت.

محل قرارگیری آمریکایی‌ها در اصفهان کجا بود و چه اقداماتی انجام می‌دادند؟

شاهین شهر محل استعماری آمریکایی‌ها و به نوعی، اتاق سازمان سیا و وزارت کشورشان بود. در همان مکان هم مشغول جمع آوری و انتقال اطلاعات بودند و با هلی کوپترهای خود استان را مدیریت می‌کردند و به نوعی در آن منطقه شاهین شهر حاکمیت داشتند.

به عقیده شما تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان چه ثمراتی برای نظام جمهوری اسلامی ایران به همراه داشت؟

در طول پیروزی انقلاب اسلامی هر چه داشتیم، پیروزی بود. در زمان پهلوی آمریکا در گ‌های ایران نفوذ داشت؛

را متمدن و مدافع حقوق بشر می‌دانند، خود اما افرادی غیر متمدن هستند.

شبهه‌ای مطرح است که می‌گویند از نظر شرعی تسخیر سفارتخانه آمریکا ایراد داشته است. شما آن را چگونه پاسخ می‌دهید؟

این شبهه‌ها بعد از تسخیر لانه جاسوسی توسط برخی جریان‌های سیاسی داخل کشور مطرح شده است؛ در حالی که باید گفت محور شرع در دنیای اسلام و کشورهای مسلمان چه کسی است. امام خمینی (ره) به عنوان یک مرجع تقلید خود محور در انجام مسائل شرعی بودند و می‌فهمیدند که شرع کدام است. این نوع شبهه‌انداختن مقابله با رهبری امام بود و محکوم است.

از رویدادهایی چون تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۵۸ چه نکته‌هایی را باید مدنظر قرار داد؟

دشمن‌شناسی نکته مهمی است؛ اینکه اگر دشمن در کنار شماست، باید آن را از محدودده خود بیرون کنید؛ بنابراین

از این رو برخورد با این عناصر آمریکایی یکی از رسالت‌های اصلی ما به‌شمار می‌رفت؛ چرا که همه بدبختی‌ها زیر سر آمریکا بود؛ به همین خاطر هم تسخیر سفارت این کشور به‌عنوان لانه جاسوسی از اهمیت بالایی از لحاظ قطع نفوذ آمریکا در کشور برخوردار است.

البته همان‌طور که شاهد بودیم، پس از آن واقعه آمریکا باز هم دست بردار نبود و در بسیاری از جنایت‌ها علیه ایران نقش داشت...

بله؛ پس از رویداد ۱۳ آبان آمریکایی‌ها باز هم دست بردار نبودند و اتفاق‌ها و حوادث تلخی را برای شورمان رقم زدند. جنگ تحمیلی و جنایت‌هایی که طی آن سال‌ها انجام دادند یا انهدام هواپیمای مسافربری ایران بر فراز خلیج فارس توسط ناو وینس از جمله این جنایت‌هاست؛ در حال حاضر هم شاهد هستیم صهیونیست‌ها را علیه فلسطینی‌ها هدایت می‌کنند؛ فضایی که نشان می‌دهد آمریکایی‌ها در حالی که خود

عملیات لانه جاسوسی مقابله بسیار سنگین با استکبار جهانی بود و این خود به‌عنوان رسالت شرعی به‌شمار می‌رود. شرع مقدس می‌گوید که دشمن اگر در خانه شماست، آن را بیرون کنید. از طرف دیگر، آمریکا خود سفارتخانه را غصب کرده و اموال و منفعت ملت ایران را به غارت برده بود؛ به همین خاطر باید در آن سفارتخانه بسته می‌شد. باید دانست که آمریکایی‌ها جنایت‌های بسیاری را پیش از انقلاب علیه مردم ایران انجام دادند؛ از کودتا تا پر کردن زندان‌های شاه و در نهایت بهرام‌انداختن سازمان سیا در سفارتخانه که در واقع نوعی حرکت انحرافی بود. ۱۳ آبان روز مبارزه با استکبار است و چنین روزی در تقویم کشور توسط مجلس تصویب شد تا به یاد آن روز هر سال در این ماه مردم به یاد شهدا گردهم جمع شوند؛ علت آن هم این است که امام خمینی (ره) فرمودند هر چه فریاد دارید، بر سر آمریکا بزنید.

از تسخیر تا باز دید اصفه

احمد زمانی، استاد و پژوهشگر تاریخ، به «اصفهان زیبا» از روایت



بگانه ظاهری

دیپلوماتیک گروه سیاست



پس از پیروزی

انقلاب اسلامی ایران

در سال ۵۷ روابط ایران و آمریکا با وجود مخالفت‌های بسیار و فضای آمریکاستیزی جامعه انقلابی کشورمان همچنان ادامه داشت و به دلیل رویکرد دولت بازرگان حتی برخی اقدامات دولت وقت آمریکا همچون دخالت در امور داخلی ایران و محکوم کردن برخی سیاست‌های دولت موقت هم نتوانست رابطه را قطع کند، تا آنجا که آمریکا اجازه ورود محمدرضا پهلوی را به کشورش صادر کرد و از نگاه جامعه انقلابی کشورمان این اقدام مقابله ایالات متحده با انقلاب اسلامی ایران تعبیر شد. اتفاقی که تسخیر سفارتخانه آمریکا در تهران را در ۱۳ آبان ۵۸ توسط جمعی از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام رقم زد و به بیان حضرت امام (ره) «انقلاب دوم» را ۹ ماه پس از انقلاب اول ایران باعث شد. در پی این تسخیر، اسنادی در خصوص جاسوسی تحت پوشش فعالیت دیپلماتیک آمریکایی‌ها، تحریک و تجهیز اقلیت‌های قومی و مذهبی در کشور و حمایت آمریکا از گروه‌ها و محافل سیاسی مخالف امام خمینی (ره) افشا شد که در نهایت به تصادم جدی ایران و آمریکا طی ۴۴ سال انجامید و به ارتباط دیپلماتیک ۸۰ ساله ایران و آمریکا مهر باطل زد. آمریکایی‌ها که تأثیر پررنگش در تبعید امام به ترکیه در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ نمایان بود و حمایتش از محمدرضا شاه پهلوی و جاسوسی‌ها، نقش داشتش در تنش‌ها و آشوب‌ها و ترورهای داخلی ایران، آن را به ایستگاه پایانی در سفارتش در تهران رساند و طی ۴۴ روز گروگان‌گیری و در پی آن حادثه طبعی بیشترین تنش را تجربه کرد و با همه قدرت و نفوذش در منطقه و حوزه بین‌الملل و همچنین استفاده از سازوکارهای مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی هم نتوانست گروگان‌های خود را آزاد کند و سرانجام قرارداد الجزایر به دادش رسید. احمد زمانی، پژوهشگر حوزه تاریخ در رابطه با بررسی روابط ایران و آمریکا پس از انقلاب، تسخیر لانه جاسوسی و ابعاد آن با اصفهان زیبا، گفت و گو کرد. زمانی معتقد است تسخیر سفارتخانه آمریکا توسط جمعی از دانشجویان با کمترین امکانات به نوعی ایهت سیاسی آمریکا را از دید افکار عمومی در حوزه منطقه و بین‌الملل زیر سؤال برد و نشان داد هر زمان که مردم ایران اختیار کنند

می‌توانند علیه این نظام مستکبر قد علم کنند.

موافقت برای شروع نگاهی به نوع ارتباط آمریکا با رژیم پهلوی در دهه ۴۰ و دخالت‌های این متحد دیرینه ایران و رژیم پهلوی در اداره امور کشور در آن دوره بیندازیم؟!

در دهه ۴۰ شمسی پس از اینکه آمریکایی‌ها در یکی دو برنامه از جمله موضوع انقلاب سفید اهداف خود را در ایران اجرا کردند، تصمیم گرفتند که به تعداد مستشاران نظامی خود در کشورمان بیفزایند، تا به نوعی نفوذ خود را در ایران بیشتر کنند. در همان زمان بود که با دقت برای این موضوع که مستشاران نظامی آمریکایی معمولاً در محل‌های مأموریتشان مرتکب جرائم و تخلفاتی می‌شوند، حق کاپیتولاسیون را برای نیروهای خود در ایران با تصویب لایحه اجازه استفاده مستشاران آمریکایی در ایران از مصونیت‌ها و معافیت‌های قرارداد وین گرفتند؛ رویکردی برای ممانعت و جلوگیری از محاکمه آمریکایی‌ها در ایران در صورت ارتکاب جرم. در آن زمان بسیاری از کشورهای دنیا با این تقاضای آمریکایی‌ها در خصوص مصونیت در برابر قوانین آن کشورها مخالفت کردند؛ اما متأسفانه ایران به همراه چند کشور دیگر این حق را برای آن‌ها پذیرفت. این لایحه به صورت محرمانه در دولت وقت ایران تنظیم و ابتدا در مجلس سنا و پس از آن در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. موضوعی که با اینکه در رسانه‌ها منتشر نشد، از طریق تعدادی از افراد سیاسی به گوش حضرت امام (ره) رسید و با موضع‌گیری روشنگرانه، جدی و محکم ایشان در قالب سخنرانی چهارم آبان مواجه شد. پس از آن نیز حضرت امام (ره) بیانیهای در این خصوص صادر کردند که هم برای آمریکا و هم شاه تحمل‌ناپذیر بود و نتیجه آن تبعید ایشان به ترکیه در ۱۳ آبان ۴۳ شد.

دخالت‌های آمریکا در امور ایران و اعتراض به برخی سیاست‌های داخلی حتی پس از انقلاب ادامه داشت و در برخی موارد باعث تحریکات و تشنج‌ها در برخی مناطق کشور هم شد. درست است؟

بله. پس از پیروزی انقلاب اسلامی با یک سری تنش‌های نظامی، سیاسی و

آمریکا گرایش پیدا کرده بودند و به نوعی آمریکا آن‌ها را هدایت می‌کرد و باعث درگیری‌های متعدد در نوروز همان سال در مناطق نامبرده کشورمان شد که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد.

فضایی که به نوعی از جمله دلایل حمله دانشجویان به سفارت آمریکا به شمار می‌رود و در کنار حمایت آمریکا از محمدرضا پهلوی و اجازه ورود او به کشورش، آغازگر آن اتفاق بود.

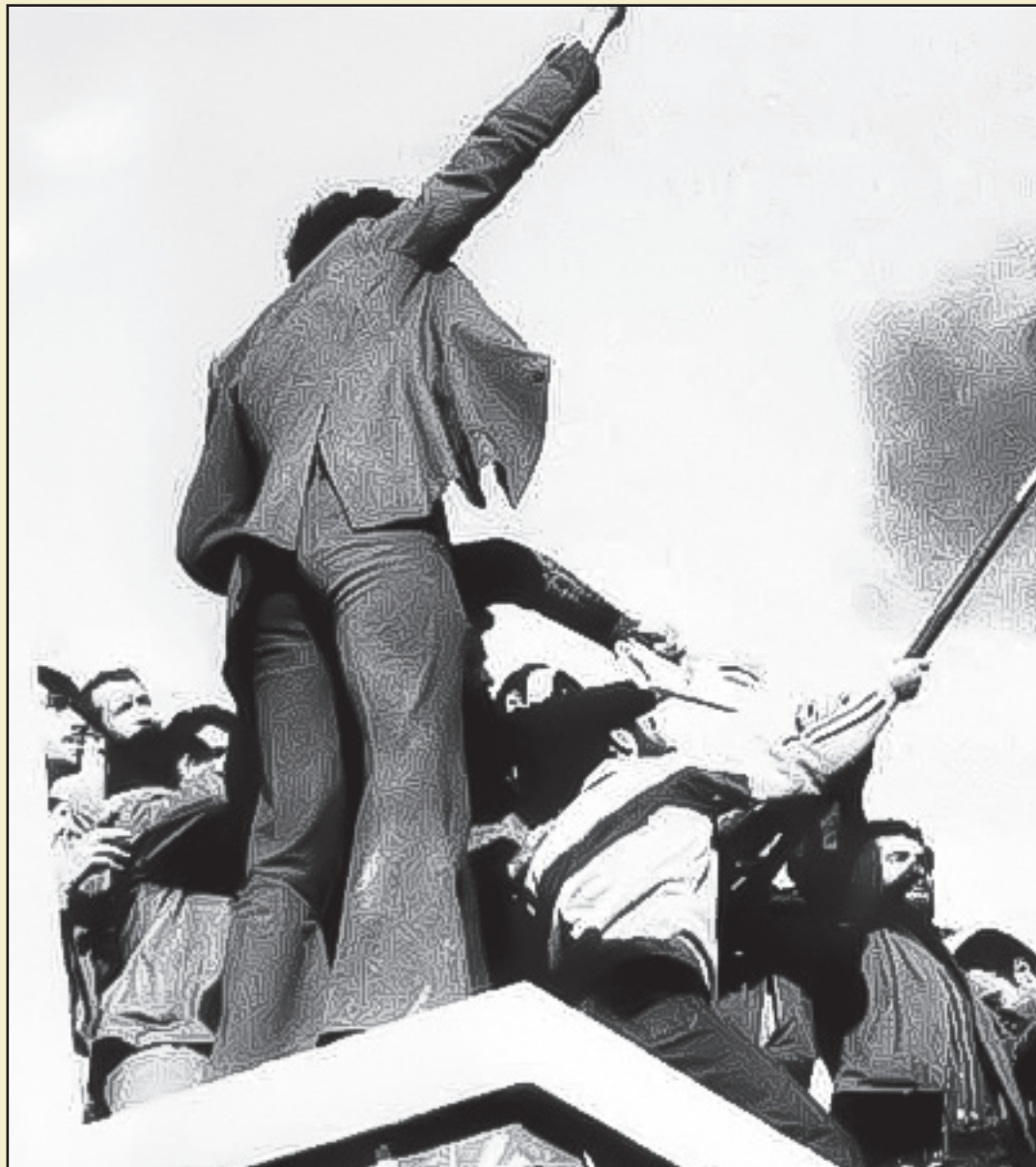
بله دقیقاً؛ اوایل تابستان و مهرماه به تدریج این موضوع مطرح شد که محمدرضا پهلوی از زمان حضورش در ایران دچار بیماری سختی بوده

اجتماعی در برخی نقاط کشور همچون کردستان، منطقه کردنشین آذربایجان غربی، گنبد کاووس، سیستان و بلوچستان و خوزستان روبه‌رو شدیم. تنش‌هایی که اغلب آن‌ها تحت تأثیر تحریکات از سوی گروه‌های چپ و مارکسیست‌ها از جمله مارکسیست‌های طرفدار چین، مارکسیست‌های طرفدار کوبا و مارکسیست‌های طرفدار ویتنام بود. البته حضرت امام (ره) خیلی سریع این تحریکات را به گروه‌های به اصطلاح چپ آمریکایی ربط دادند. گروه‌های چپ معمولاً طرفدار بلوک شرق بودند که پس از تسخیر لانه جاسوسی و سیری که موضع‌گیری‌های این گروه‌ها داشتند، مشخص شد این گروه‌ها به دلایل مختلفی به سمت

و همچنان درگیر این بیماری است و این موضوع را پنهان کرده است و آمریکا برای معالجه می‌خواهد او را بپذیرد. برخی از مقامات ایران در قبال این موضوع عکس‌العمل‌های تندی نشان دادند و گفتند او به عنوان یک مجرم باید تحویل مردم ایران برای محاکمه داده شود. آمریکایی‌ها اما به صورت محرمانه محمدرضا پهلوی را منتقل و برخی از رسانه‌های آمریکایی این موضوع را منتشر کردند. هشتم آبان و در آن شرایط بود که حضرت امام (ره) در پیام کوتاهی خطاب به طلاب و دانشجویان فرمودند به هر نحو ممکن باید به آمریکا فشار آوریم تا شاه را تحویل ملت ایران دهد که متعاقب آن در ۱۳ آبان گروهی از

بانی‌ها از لانه جاسوسی

ظ ایران و آمریکا پس از انقلاب تا تسخیر لانه جاسوسی می گوید



به تسخیر لانه جاسوسی برگردیم. اقدامی که توسط جمعی از دانشجویان رخ داد. به عقیده شما با توجه به نفوذ و قدرت آمریکا از لحاظ نظامی و امنیتی، این حمله به سفارت، آن هم توسط دانشجویان، ادعای آمریکا را در رابطه با صولت و قدرت همه جانبه اش زیر سؤال نبرد؟

اشغال لانه جاسوسی برای بسیاری از مردم ما روشن کرد که سفارت آمریکا بیشترین نقش را در توطئه برای آشوب در ایران داشته است. حضرت امام (ره) پیش از اشغال لانه جاسوسی به این موضوع اطمینان کامل داشتند، اما اشغال سفارتخانه آمریکا باعث شد سطح آگاهی سیاسی مردم بسیار بالا برود. و ... نقش داشت.

آمریکابه آن‌ها برای ایجاد آشوب و درگیری در ایران خط می داد و به نوعی راهبری می کرد، گروه فرقان بود. یک گروه مذهبی افراطی که اسناد به دست آمده از سفارتخانه آمریکا نشان داد آمریکا این گروه را به خوبی می شناسد و از تعداد نفیرات و برنامه های آن آگاه است. اطلاعاتی که به ارتباط آمریکا با این گروه اشاره داشت. گروه فرقان در بسیاری از تروهرای شخصیت های مختلف کشورمان از جمله شهید آیت الله مطهری، رئیس شورای انقلاب، محمدولی قرنی نخستین رئیس ستاد مشترک ارتش ایران پس از انقلاب، شهید دکتر محمد مفتح و ... نقش داشت.

دانشجویان دانشگاه های مختلف با عنوان دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، سفارتخانه آمریکا را گرفتند و با سختی توانستند اسنادی آسیب دیده را در کنار هم بچینند و بازخوانی کنند که این اسناد پس از مدت ها در قالب ۱۲ جلد (۸۰۰ تا ۹۰۰ صفحه) منتشر شد. اسنادی که نشان داد سفارتخانه آمریکا در اکثر آشوب های آن دوره ایران نقش مؤثر و پررنگی داشته است.

یک نمونه از آن اسناد که مشارکت گروه های چپی که نام بردید را در آشوب های آن زمان ایران ثابت می کند، مثال بزنید...

از جمله آن گروه های چپ که

در آن مقطع آمریکا و شوروی در سطح جهانی آن چنان اعتبار و قدرت داشتند که در هر کجا که اراده می کردند، به راحتی کودتا می کردند. ملت ایران و دانشجویان ما اما با وجود همه تهدیدهای مکرر نظامی آمریکا مقاومت کردند و با حرکتی شجاعانه و قهرمانانه به ملت ایران این روحیه را دادند که در صورت لزوم می توانند روبه روی آمریکایی ها بایستند. واقعیت این است که تسخیر لانه جاسوسی آمریکا تبعات مثبتی در پی داشت. اینکه این حس را در مردم ایجاد کرد که این طور نیست که آمریکا هر کاری بخواهد می تواند انجام دهد و از طرفی توطئه های آمریکا را هم برای ملت ایران و به خصوص جوانان روشن کرد.

پس از آن واقعه هم آمریکایی ها بارها از طرق مختلف قصد مقابله با ایران در راستای آزادسازی گروگان ها را کردند که هیچ کدام به سرانجام هم نرسید...

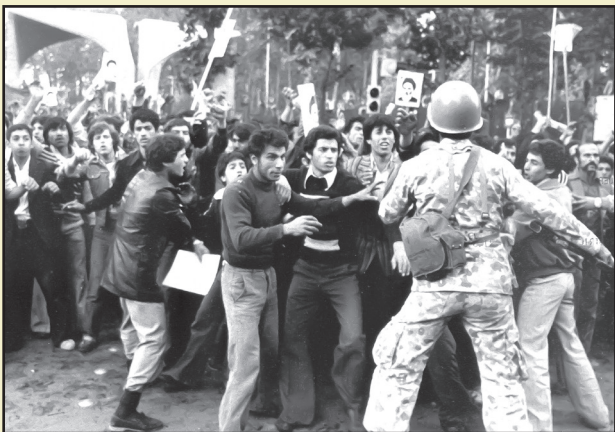
بله؛ در ماه های اولیه اشغال لانه جاسوسی و در پی ناکامی دولت ایالات متحده آمریکا در اعمال فشار سیاسی و اقتصادی برای آزادی گروگان های خود، آمریکا متوسل به اقدام نظامی (عملیات پنجه عقاب) در طیس شد. اتفاقا شب پنجم اردیبهشت همان شبی که آمریکایی ها بنا داشتند از طریق طیس به سفارتخانه تسخیر شده خود برای آزادسازی گروگان ها حمله کنند، ما در ورزشگاه در نزدیکی سفارتخانه آمریکا حضور داشتیم تا هم بازدید از سفارتخانه داشته باشیم و هم در آن مکان مراسم دعای کمیل را با حضور استاد پرورش، شهید اژه ای و تعدادی از دانشجویان برگزار کنیم. برای بنده تیزهوشی شهید اژه ای در آن شب بسیار عجیب بود. آن شب زمانی که وارد سفارتخانه آمریکا و ورزشگاه نزدیک سفارت شدیم، در حالی که در آن ساعت هیچ مسابقه ای هم برقرار نبود، چراغ های ورزشگاه اما روشن بود. شهید اژه ای سؤال کرد که به چه دلیل این چراغ ها روشن است؟ اما جوابی برای این سؤال وجود نداشت. در نهایت به لطف خداوند آن عملیات برای حمله به سفارتخانه شکست خورد و نظامیان آمریکایی در طیس دچار حادثه طوفان شن شدند و با تعدادی از اجساد و کشته شدگان خود مجبور شدند صحرای طیس را ترک کنند. البته پس از واقعه طیس برای اینکه حادثه مشابهی

پیش نیاید، گروگان های آمریکایی را به تقاطع مختلف کشور از جمله اصفهان منتقل کردند که امکان بازدید افراد از جاسوس های آمریکا در آن شهرها به دلیل امنیتی هم وجود نداشت.

پای اصفهان را با یادآوری این خاطره از شهید اژه ای به مصاحبه کشاندید. آمریکا پیش از انقلاب در اصفهان هم کنسولگری داشت و حضور مستشاران نظامی آمریکا در اصفهان نیز بسیار قابل توجه بود. آیا اقدامات جاسوسی آمریکایی ها به آن فضا هم در اصفهان کشیده شده بود؟

در کل کشور حدود ۶۰ هزار مستشار نظامی آمریکایی حضور داشت که البته این جمعیت با تعداد خانواده های خود حداقل سه برابر می شدند. آمریکاهم در اصفهان کنسولگری داشت و هم تعداد مستشاران نظامی که در اصفهان بودند، فوق العاده زیاد بود. در واقع اصفهان در رابطه با حضور مستشاران نظامی یاد در رتبه اول بود یا پس از تهران در رتبه دوم از لحاظ اتباع و مستشاران نظامی آمریکایی قرار داشت. در آن مقطع که هوانیروز ایران در حال پایه گذاری بود، اولین مرکز هوانیروز ایران در اصفهان شکل گرفت و کارکنان هوانیروز آموزش های اولیه را در پایگاه های در اصفهان می دیدند. چهار پایگاه هوانیروز که تحت نظر آمریکایی ها در اصفهان آموزش برگزار می کرد. یک کارخانه هلیکوپتر سازی هم در مسیر جاده شاهین شهر به اصفهان بود که تعداد قابل ملاحظه ای مستشار نظامی آمریکایی در آن پایگاه مشغول بودند. نکته ای که وجود داشت این بود که ساواک در آن زمان بررسی کرده بود و متوجه این موضوع شده بود، رشته تحصیلی تعداد بسیاری از این مستشاران نظامی آمریکا علوم انسانی است و به تشخیص ساواک کار این مستشاران آموزش نظامی نبوده است و آن ها در واقع به دنبال جاسوسی در ایران بودند. در سال ۵۷ یک گروه نظامی انقلابی نیز به یکی از سرویس های همان کارخانه هلیکوپتر سازی در جاده اصفهان- شاهین شهر که نامش هم دبلیو هلیکوپتر بود، حمله و تعدادی از آمریکایی ها را در آن حمله مجروح کرد. مستشاران نظامی تا مدت ها در اصفهان حضور داشتند و پس از انقلاب با فشار شورای انقلاب و شخص مقام معظم رهبری که در آن زمان نماینده حضرت امام (ره) در ارتش و شورای عالی انقلاب بودند، دولت وقت مجبور شد تعداد بیشتری از آمریکایی ها و مستشاران نظامی را از ایران خارج کند.

چه گروه‌هایی از اشغال سفارت آمریکا در ایران حمایت کردند؟



این بیانیه بدین شرح است: مبارزان ضد امپریالیسم ایران! اینک بار دیگر به برکت خیزش و خروش توده‌های مردم، مبارزه ضد امپریالیسمی در میهن ما اوج گرفته است. بکوشیم تا این مشعل نجات بخش را پایدار نگه‌داریم. بکوشیم از هر گونه انحرافی که می‌خواهند به آن تحمیل کنند جلوگیری کنیم. بکوشیم برای پیروزی این مبارزه، آزادی و دموکراسی، یعنی حق مردم در تعیین سرنوشت خویش را که اینک لگدمال "خبرگان" شده است، احیا کنیم و بکوشیم تا امپریالیسم را با پایگاه همیشگی‌اش ارتجاع، یکجا به زباله‌دان تاریخ بفرستیم. باز پس گرفتن شاه‌خائن لازم است، اما کافی نیست.

مصادره سرمایه‌های امپریالیستی در ایران، افشای نام تمام عمال امپریالیسم و انتشار اسناد و مدارک و قراردادهای امپریالیستی، گسترش مبارزه برای قطع نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی امپریالیسم از میهن ما خواست امروز همه مبارزان ضد امپریالیست است.

جبهه دموکراتیک ملی ایران ۵۸/۸/۱۵

حزب توده ایران که خود را از پیشگامان مبارزه بر ضد امپریالیسم قلمداد می‌کرد بیان داشت: مردم ایران با شنیدن خبر اشغال لانه جاسوسان و توطئه گران آمریکا درست همانند روزی که شاه‌خائن فرار کرده، در خیابان‌ها به شادی پرداختند و گل و قفل پخش کردند.

همه نیروهای انقلابی نیز پشتیبانی خود را از این عمل به جا و شجاعانه ابراز کردند. حزب توده ایران که خود از مبارزان اصلی بر ضد امپریالیسم آمریکاست، این آگاهی و دلیری مردم ایران، این عزم راسخ و اراده را تحسین می‌کند و تهنیت می‌گوید. مردم ایران امپریالیسم آمریکا را نه فقط به عنوان دشمنی که ددمنشی چون رژیم پهلوی را به آن‌ها تحمیل کرده بود، می‌شناسد، بلکه دست جنایتکار و خون‌آلود این دشمن را در تمام توطئه‌های نه‌ماهه پس از انقلاب ایران افروختن جنگ برادر کشی در کردستان و خوزستان و ترور شخصیت‌های سیاسی و مذهبی و انقلابی، خرابکاری در اقتصاد کشور و به رهبری هدایت‌الله متین‌دقتری در اطلاعاتی‌های تند ضمن حمله به مجلس خبرگان قانون اساسی از اشغال سفارت آمریکا حمایت کرد. بخش‌های قابل انتشار



وارد مرحله جدیدی می‌شود. تظاهرات ضد امپریالیستی مردم ایران در روز عید قربان با عمل انقلابی اشغال سفارت آمریکا جهت گیری جنبش ضد استعماری مردم مسلمان ایران را به اوج خود رساند و همان‌طور که در روز ۱۳ آبان در سال گذشته با شهادت جوانان جانباز ما در دانشگاه قطعه حرکت قطعی به سوی پیروزی انقلاب انقلابی دانشجویان جنبش پیروزمند ما را به فصل جدیدی از مبارزه ضد استعماری وارد کرد. به این امید که ۱۳ آبان سال بعد را به روز پیروزی جنبش علیه سرمایه‌داری و استعمار بدل کنیم. جاما از حرکت انقلابی دانشجویان علیه تجاوزها و مداخلات امپریالیسم آمریکای طرف‌داری می‌کنند و همراه همه نیروهای انقلابی مسلمان رهنمودهای آگاهانه رهبر عالی قدر انقلاب را پذیرا خواهد بود.

(اطلاعات، ۱۴ آبان ۵۸ ص ۱۲)

حزب توده ایران

محمدرضا بزمشاهی

پژوهشگر حوزه تاریخ معاصر ایران



یکی از مهم‌ترین وقایع پس از انقلاب اسلامی اشغال سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ است. در چند سال اخیر این گونه القا شده که این اقدام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام مورد حمایت نیروهای مذهبی و نیروهای چپ مارکسیست بوده است و گویا سایر فعالان سیاسی با این اقدام مخالف بوده‌اند. از سوی دیگر گفته می‌شود که دولت مهندس بازرگان در اعتراض به این عمل استعفا داده است. در صورتی که مهندس بازرگان در کتاب «انقلاب ایران در دو حرکت» اظهار داشته که استعفای دولت موقت در ۱۲ آبان به تصویب رسیده بود. همچنین در ۹ آبان ۷۵ مهندس صباغیان در مناظره‌ای با ابراهیم اصغرزاده، اصرار داشت که استعفای دولت موقت ربطی به اشغال سفارت آمریکا نداشته است. در حال حاضر نیز فضا تنبیس یافته و تحلیل‌های متفاوتی در رسانه‌ها مطرح می‌شود. در ادامه اطلاعیه گروه‌های مختلف سیاسی پس از اشغال سفارت آمریکا را می‌آوریم تا بخشی از تاریخ معاصر تبیین شود:

جنبش مسلمانان مبارز

جنبش مسلمانان مبارز اولین گروهی بود که با صدور اطلاعیه‌ای خطاب به دانشجویان خط امام از اقدام آنان حمایت کرد: «اشغال مقرر امپریالیسم خون‌خوار آمریکا به دست پر توان شما، نشانه اعتراض و نفرت عمیق ملت ایران از اعمال جنایت کارانه امپریالیسم آمریکاست. این امپریکا حامی شاه جنایتکار است که باعث شکنجه و کشتار عزیزترین فرزندان انقلابی است. شما با اشغال لانه جاسوسی سیا و مقر طرح نقشه‌های شوم ضد انقلابی و ضد مردمی، بار دیگر پیام شهادی به خون‌خفته خلق مسلمان ایران را به گوش جهانیان می‌رسانید که تا نابودی کامل امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا نهضت انقلابی ما ادامه دارد.

شما با این حرکت انقلابی خود چهره لیبرالیست‌های سازش‌کار و ارتجاع حامی امپریالیسم را افشا کردید و آنان را در تنگنا قرار داده‌اید. آمریکای جنایتکار باید شاه‌فراری را به دادگاه‌های انقلابی ایران تحویل دهد تا خلق ما این بررگه‌ترین جنایتکار تاریخ را به محاکمه بکشند. آمریکا باید بداند که توطئه‌هایش علیه انقلاب ایران و همراهش با صهیونیسم اسرائیل و کشتار خلق محروم جنوب لبنان و فلسطین را ما با تداوم و

حرکت انقلابی خود نابود خواهیم کرد. این اسلحه‌های امپریالیسم آمریکا بود که به سوی فرزندان خلق ایران نشانه رفت و اینک باید خرید تمام این سلاح‌ها ممنوع و تمامی قراردادهای ضد مردمی با آمریکا لغو شود. خواهران و برادران مبارز! شما با این حرکت انقلابی خود بار دیگر گفته‌امام را که «روابط با آمریکا را ما می‌خواهیم چه کنیم؟» مستحکم تر اعلام نموده‌اید و گفته‌اید که خلق مسلمان ایران خواهان قطع کامل روابط با امپریالیسم آمریکاست. درود بر شما فرزندان مسلمان که ماهیت ضد امپریالیستی اسلام را در مبارزه با امپریالیسم آمریکایان ساختید.»

مرگ بر امپریالیسم آمریکا (اطلاعات، ۱۴ آبان ۵۸ ص ۱۲)

جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران «جاما»

جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران و جاما در اطلاعیه‌ای در رابطه با اشغال انقلابی سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بیان داشت: «انقلاب ایران علیه استعمار جهانی و امپریالیسم آمریکا

۱۵ نفر از گروگان‌های آمریکایی را مخفیانه به اصفهان آوردیم؛ حتی استاندار هم خبردار نبود

فعالیت می‌کردم. به من مأموریتی دادند و مرا با تعدادی از گروگان‌های آمریکایی به اصفهان فرستادند؛ حتی استاندار وقت هم نمی‌دانست که گروگان‌ها را به اصفهان می‌آورند. بچه‌های سپاه گفتند که به خانه بگویند؛ می‌خواهیم مأموریت برویم؛ اما نمی‌دانیم کجا. ده پانزده تا از این گروگان‌ها را در همین باغ کرد آباد آوردند [باغ کاشفی]، با دانشجویان پیرو خط امام، آقای سیفاللهی هم بودند که بعد فرمانده سپاه اصفهان شدند. این عادت آمریکایی‌ها بود که تا ۱۲ شب پاسوربازی می‌کردند. ساعت ۱۲ که می‌شد، پاسور را کنار می‌گذاشتند و شطرنج برمی‌داشتند و این کار از روی نظمشان بود. هیچ مقامی از این موضوع مطلع نبود؛ فقط سپاه مرکز اصفهان و تهران می‌دانستند که این‌ها را اینجا آورده‌اند.



جواد جلوانی
پژوهشگر حوزه فرهنگ و رسانه



علی مستأجران از پیشگامان مبارزات انقلاب اسلامی در اصفهان است. او در ۱۳۲۷ در محله گورستان اصفهان در خانواده‌ای سنتی و مذهبی به دنیا آمد. به قول خودش اعتقاد شدید به اسلام ناب محمدی مورد نظر امام و رهبری در او وجود داشت. مستأجران می‌گوید: «من در جهت انقلاب و تبعیت از امام و رهبری، اکنون هم در واقع سرو جانم فدای رهبری است؛ بدون اغراق می‌گویم اگر ایشان کوچک‌ترین حرفی بزنند، به روی چشم اطاعت می‌کنم. در راهپیمایی‌ها و تظاهرات وظیفه خود می‌دانستیم که شرکت کنیم»، او پیش از انقلاب در تحصن منزل آیت‌الله خادمی که منجر به حوادث ۵ رمضان و اولین حکومت نظامی در ایران شد، نقشی فعال داشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی که هنوز سپاه تشکیل نشده بود، به کمیته دفاع شهری پیوست. مستأجران در شروع دفاع مقدس در مناطق عملیاتی کردستان حضور داشت؛ سپس به عنوان پاسدار به مدت یک سال و نیم در جماران و بیت امام خمینی (ره) حضور داشت. امام خمینی (ره) از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا به انقلاب دوم یاد کرد؛ این آغاز خاطره آقای مستأجران است که برای ما تعریف می‌کنند.

سپاه مرکز اصفهان و تهران از انتقال برخی گروگان‌ها به اصفهان خبر داشت

انقلاب دوم شروع شد که همان تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام بود. آن موقع من در سپاه

خوراکشان

می‌خواستند گروگان‌ها را در شهرستان‌ها پخش کنند. ده‌الی پانزده نفر را به اصفهان آوردند. ما با پنج نفر از دانشجویان پیرو خط امام و بچه‌های سپاه داشتیم چای می‌خوردیم، یک‌دفعه در زدند. من انگلیسی‌ام ضعیف بود. یکی از رفقارفت و گفت: چه می‌خواهید؟ گفت: یک‌دانه خرما به من بدهید، و بتایمین بدن من را تا بیست و چهار ساعت دیگر در این اتاق تأمین می‌کند. دوستان پنج تا خرما به او داده بودند. حالا چقدر دقیق حساب می‌کرد. اگر از این اتفاق بیرون می‌رفت، کسی نمی‌توانست بگوید آمریکایی است. صد درصد ایرانی، حتی صد درصد اصفهانی. این از خوراکشان.

اینجا اصفهان است؟

برای تفریح در حیاط بردیم تا قدم بزنند. بیرون آمد و سرش را بلند کرد و گفت: اینجا اصفهان است؟ گفتم: به چه دلیل؟ گفت: این نوع درخت فقط در اصفهان است. به فاصله یک ربع، وقت استراحت داشتند. در این یک ربع پایش را گذاشت جلو. مثلاً گفتند اینجا اینجا تا آن پرده را باید بروید و بیایید. متر کرد و سریع رفت و برگشت. خلاص که شد، گفت: من پنج کیلومتر پیاده‌روی کردم.

توطئه دنباله‌دار آمریکا...



آمریکا بعد از تسخیر لانه جاسوسی دست از توطئه علیه ایران برنداشته است و در قالب جنگ تحمیلی، کودتا، فتنه و آشوب هر جنایتی که توانست علیه کشورمان انجام داد. در حال حاضر هم در قالب جنگ شناختی و نرم فعالیت می‌کند و به انتشار دروغ و شایعه پراکنی علیه ایران پرداخته است. هم‌اکنون سفارت پاکستان در آمریکا حافظ منافع ایران و سفارت سوئیس در تهران حافظ منافع آمریکاست. جمهوری اسلامی هم بارها اعلام کرده که آماده رابطه‌های منطقی و عادلانه با آمریکاست؛ اما زور و سلطه را نمی‌پذیرد و اگر آمریکا به تمسیر امام (ره) رابطه گرگ و میش را نخواهد، آماده رابطه اقتصادی، سیاسی، علمی و اجتماعی با این کشور بدون توطئه و جنایت خواهد بود. این نشان می‌دهد اگر تا به امروز رابطه‌ای میان ایران با آمریکا برقرار نشده است، مشکل از طرف آمریکایی‌هاست؛ چرا که آمریکایی‌ها به دنبال سلطه و جنایت هستند، نه ارتباط منطقی و عادلانه. دولت این کشور به همه دنیا ثابت کرده است که به دنبال رابطه سازنده نیست و طی ۴۵ سال گذشته خواستار نابودی استقلال و آزادی مردم ایران بوده است.

دوم رخ داده است. مردم با انقلاب اول در سال ۵۷ شاه را و با انقلاب دوم آمریکا را از کشور بیرون کردند تا بتوانند استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را حفظ کنند. پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، ۱۴ آبان بود که دولت موقت ایران به نخست‌وزیری مهدی بازرگان و به دلیل یک سری اختلافات تاکتیکی و راهبردی و همچنین تسخیر لانه جاسوسی، به طور کامل استعفا داد. پس از افشاشدن اسناد به دست آمده از سفارت آمریکا مشخص شد طرفداران اعضای جبهه ملی نهضت آزادی با آمریکایی‌ها در ارتباط بودند و به همین دلیل هم به این اقدام دانشجویان اعتراض کردند که چرا دانشجویان این سفارتخانه را تصرف کردند. در آن زمان احزاب و گروه‌های انقلابی از تسخیر لانه جاسوسی حمایت کردند؛ اما تنها جریان غرب زده و غرب گرا که محور جبهه ملی و آزادی بود، مخالف این اقدام بودند. پس از آن و به دنبال تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران، اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها هیاهو و جنجال به راه انداختند و در نهایت در پنجم اردیبهشت ماه سال ۵۹ آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند طی عملیات نظامی، نه تنها جاسوسان خود را در تهران آزاد کنند، بلکه سرنگونی انقلاب اسلامی را هم رقم بزنند که البته امداد و نصرت الهی در طیس باعث شد آن گروه آمریکایی گرفتار طوفان شن در آن بیابان شوند و هلی کوپترهای آن‌ها نابود و تعدادی از آن‌ها نیز کشته و در نهایت عملیاتشان لو برود و آبروی آن‌ها در دنیا ریخته شود.

محسن نصری
پژوهشگر و کارشناس حوزه سیاسی



از زمان تسخیر لانه جاسوسی تاکنون، آمریکا به هر نحوی در قالب جنگ سخت و نرم، علیه انقلاب جمهوری اسلامی ایران توطئه و جنایت کرده است. بهمن ۵۷ که انقلاب اسلامی پیروز شد، حضرت امام خمینی (ره) با هیچ کشوری قطع رابطه نکردند؛ مگر رژیم جعلی صهیونیستی. حتی کودتای ۲۸ مرداد و تصویب لایحه کاپیتولاسیون هم نتوانست باعث قطع این ارتباط شود؛ چرا که امام (ره) تعامل و ارتباطی عادلانه و منطقی را با کشورها می‌پذیرفتند. در راستای همین رویکرد امام (ره) هم سفارت آمریکا در تهران پس از انقلاب همچنان فعال بود. ۹ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته بود که جوانان، دانشجویان و نیروهای انقلاب دریافته بودند با وجود بازگشودن راه‌های ارتباطی ایران، آمریکایی‌ها در سفارتخانه از این فضا سوء استفاده کرده و در سایر استان‌های کشور بحران آفرینی می‌کنند و به همین خاطر هم لانه جاسوسی آمریکا را تصرف کردند. پس از انتشار اسناد به دست آمده از سفارت آمریکا در تهران نیز مشخص شد این مکان تبدیل به لانه جاسوسی و مرکزی برای توطئه آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران شده است. به دنبال تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان، حضرت امام (ره) این حرکت را تأیید کردند و فرمودند که انقلابی

تسخیر لانه جاسوسی از نگاهی دیگر

محمدرضا بز مشاهی
پژوهشگر حوزه
تاریخ معاصر ایران

شده است؛ اما از این پس باید بر اساس قانون انجام شود. اشنال لانه جاسوسی و ورود جدی به درگیری با آمریکا نیز می توانست فرصتی باشد برای انجام اموری با تصمیم گیری ویژه و فزاینده از قانون؛ اما رهبر کبیر انقلاب که مهم تر از هر امر دیگری نقش مردم را در اداره امور کشور خواهان بود، این مسئله را نیز در مسیر خواست عمومی مردم مدیریت و هدایت کردند. گرچه امام خمینی (ره) در آغاز این حرکت و با تأیید آن مشروعیت این اقدام را افزون کردند؛ اما هم در سخنرانی ها و هم در اقدامات عملی خویش به اهمیت نظر و رأی مردم در چگونگی ادامه و مدیریت آن اصرار داشتند؛ برای نمونه زمانی که نماینده پاپ ژان پل دوم برای میانجیگری و تقاضای آزادی گروگان ها با امام خمینی دیدار می کند، ایشان می فرمایند: «این را بدانند که مسئله، مسئله ای نیست که من بتوانم به شخصه حل کنم. ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد ما هم از آن تابعیت می کنیم. ما حق نداریم. خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است. پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم. بلکه ممکن است گاهی وقت ها ما یک تقاضایی از آن ها بکنیم؛ تقاضای متواضعانه، تقاضایی که خادم یک ملت از ملت می کند؛ لکن اساس این است که مسئله دست من و امثال من نیست و دست ملت است و ملت پشتیبانی از این کار را اعلام کرده است؛ به طوری که اگر اطلاع داشته باشید، راد یوها که اعلام می کردند، کلیاتش

را که اعلام می کردند، انسان را خسته می کردند از اعلام های متعددی که بود، «صحیفه امام، جلد ۸۱، صفحه ۳۴ این تا کید امام بر نظر مردم و مدخلیت رأی آن ها در اداره امور در سایر موضوعات نیز به چشم می خورد؛ اما در این نوشته تنها به تحلیل موضوع تسخیر سفارت آمریکا می پردازیم. در ادامه روند قضایا نیز امام از تصمیم گیری شخصی در موضوع استنکاف کرده و حتی مسئله را به نهادهایی مانند شورای انقلاب واگذار نکردند و پس از تشکیل مجلس شورای اسلامی در ۲۱ شهریور ۵۹ در پیامی، تعیین تکلیف گروگان ها را به نهاد منتخب مردم، یعنی مجلس شورای اسلامی محول کردند. با آنکه تصمیم گیری در مجلس زمان زیادی را به خود اختصاص داد و با توجه به نوپا بودن مجلس و بی تجربگی نمایندگان برخی فرصت ها نیز از دست رفت؛ اما اصرار امام خمینی (ره) بر نقش محوری مجلس به جهت تقویت بد مردم سالاری نظام و زمینه سازی رشد سیاسی مدیران و نخبگان جامعه بود. در آن شرایط استثنایی و در زمان اشنال بخشی از کشور ایران توسط دشمنان، با اوج گیری حرکت های تجزیه طلبانه، اصرار بر دخالت و اثر گذاری رأی مردم داشت و یکی از حساسیت های مهم بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران را به وجود آورده بود. در دوران کنونی نیز که نظام جمهوری اسلامی مراحل تثبیت خود را می گذراند، تقویت نقش نهادهای منتخب مردم از قبیل مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا، موجب تحکیم بیشتر پایه های نظام و تقویت رکن جمهوری در کنار رکن اسلامیت خواهد بود.

محمود فروز بخش
نویسنده

این پرسش، یکی از اساسی ترین پرسش های جهان امروز است. آمریکا یک کشور نیست. اگر ادبیات «جهانی شدن» را بپذیریم، ناگزیر اعتراف خواهیم کرد که دنیا به سمت یکسانی پیش می رود. در این یکسان شدن، مقصد آمریکا و نیویورک است و همه راه ها به همین نقطه ختم می شود. البته این نقطه آرمان شهر نیست؛ زیرا نیویورک نیز پایانی ندارد و هر روز در جلوه و رشدی دیگر است و به دنبال آن تمام اجزای جهان باید در پی آن باشد که به پای آن برسد و این حرکت پایانی ندارد. از این جهت است که آمریکا یک آرمان شهر نیست و حد نهایی برای آن تصور نمی شود؛ بلکه هر روز در تغییر است. در منطق جهانی شدن آن ها که بیشتر به تغییرات امروزین آمریکا نزدیک اند، پیشرفته محسوب می شوند و خوشا به حالشان. آنان که عقیده و طریقتشان با آمریکا اختلاف بیشتری دارد، قطعاً عقب مانده خطاب می شوند. آری این منطق جهانی شدن است و از پی این منطق حال دوباره باید از خود پرسید که بیرون از آمریکا کجاست؟ به راستی اگر همه دنیا را تبوتاب جهانی شدن فرا گرفته است و همگان در فرایندها و ساختارها در پی هر چه بیشتر مدرن شدن هستند، اکنون پرسش ما جدی تری می شود. جهانی شدن تنها رشد نظام ارتباطی نیست. فقط پیشرفت های سیستم های اطلاعاتی نیست. با این جهش های نرم افزاری در سال های اخیر نمی توان جهانی شدن را با تمامی ابعاد فهمید. جهانی شدن را باید بدون تعارف بیان کرد. در یک کلام یکسان شدن، رودر بایستی برداریم و بلند بگویم که جهانی شدن بی جهت نیست و دارد دنیا را به همان سمتی می برد که آمریکا رفته و می رود. بگذارید بحث را شفاف تر کنم و با جسارت بیشتری اعلام کنم که این روند ربطی به سیاست مداران آمریکا ندارد. اگر تمام آن ها از فردا نابود شوند باز هم این رویه برقرار است؛ زیرا مردمان هستند که در روان و جان خود طلب ارزش هایی را دارند که برای آن باید طی طریق کنند و شیوه های این طریق از قبل مشخص شده است و حالا آمریکا و نهاد های دیگر به دنبال سامان دادن به این شیوه ها و ساختارها هستند؛ والا اصل حرکت همه از شوق است و طلب مردمان جهان

بیرون از آمریکا کجاست؟

چیزی است که آن ها را دارد به تدریج شبیه یکدیگر می کند. حال دوباره پرسشمان را تکرار می کنیم. بیرون از آمریکا کجاست؟ اگر بخواهیم مرور کنیم باید بگویم آن آرزو و رؤیایی است که اکنون به صورتی مفصل و عینی خود را بیان کرده و تمامی راه ها را به صورت عملیاتی آشکار کرده است. چنانچه بخواهیم در رشته ها و حوزه های مختلف قصد آن جهان مقصود واحد را کنیم، بی درنگ مدلهای برای ما فراهم است و در این زمینه چندان ابهامی وجود ندارد. دنیای امروز دنیای استانداردها و خط کشی هایی است که از این ماجرای جهانی شدن پاسداری می کند. پس چنین تبیین و تصویری می توانیم از آمریکا داشته باشیم. این بیان هر چند هم ناقص باشد، باز می تواند اندکی ما را یاری رساند تا ادامه مسیر نوشتار روشن شود. سراغ سؤال خود می رویم و حالا با توجه به چنین صحبتی که شد از بیرون آمریکا می پرسیم. بیرون آمریکا اصلاً وجود ندارد. آری واقعیت چنین است ولی واقعیت تمام حقیقت نیست. امروزه اگر از شمار دست برداریم و سرمستی نکنیم و عقل محاسبه گر را به صحنه بیاوریم، متوجه می شویم که انگاری در این ماجرای گسترده و ناگزیر جهانی شدن، نقطه ای خالی باقی نمانده و به درستی در نگاه اول تأیید می کنیم که بیرون از آمریکا اصلاً وجود ندارد. اما این پایان تلاش نیست. بیرون از آمریکا در ساخت عینی موجود نیست. بیرون از آمریکا تصویری خیال گون است که در ذهن ما وجود دارد. این تصور شکل نگرفته و ابعادش ساخت یافته نیست. ما نیز رؤیایی داریم که به آن جهت می دهیم و چنگ می زنیم. این رؤیا مانند بسیاری از رؤیاهای بشری در دست یا به اصطلاح «تو مشته» نیست و حتی نمی دانیم که برای محقق کردن آن، چه میزان راه در پیش داریم. همین قدر می دانیم که شوق آن را داریم و به وعده انبیا چنین آرمان شهری قابل تحقق است. آری بشر می تواند؛ زیرا بشر نماینده خداوند در زمین است و می تواند صفات باری تعالی را به تجلی برساند. این ها دیگر شعار نیست؛ از متن انسان شناسی حقیقی می گویم. انسان به دنبال آرمان نمی تواند خسته و در مکر واقعیت گرفتار شود. واقعیت حق است اما اسیر شدن به قفس آن، محدودیتی است که مولود ذهن است. ذهنی که خودش را گرفتار فرمول های حتمی فرض شده جهانی شدن کرده است.